



شماره ۹۵

گزارش روشنگرانه با موضوع:

استانداردهای دوگانه برخی کشورهای غربی در برابر تجمعات و اعتراضات

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمْرَنَ!

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

بهمن ماه ۱۴۰۴

نحوه برخورد آمریکا و دولت‌های غربی با ناآرامی‌های اخیر در ایران به‌روشنی نشان داد که ادعای پایبندی آنان به حقوق بشر تا چه اندازه مغرضانه و غیرقابل اعتماد است. این کشورها با مجموعه‌ای از اقدامات عملی، رسانه‌ای و موضع‌گیری‌های سیاسی تلاش کردند ناآرامی‌هایی را که عمدتاً ریشه اقتصادی داشت و بخش قابل توجهی از آن ناشی از تحریم‌های ظالمانه خودشان بود، از مسیر طبیعی و مسالمت‌آمیز خارج کنند و از آن به‌عنوان دستاویزی برای ایجاد واگرایی داخلی و ایجاد آشوب و خشونت و پیشبرد منافع و اهداف سیاسی خود بهره ببرند.

اقدامات عملی و نیز مواضع و پیام‌های رسانه‌ای مقامات آمریکایی، به‌ویژه رئیس‌جمهور این کشور، و برخی دیگر از مسئولان کشورهای غربی در قبال ناآرامی‌های اخیر ایران، به‌روشنی حاکی از تلاش برای تحریک و ترغیب معترضان به آشوب و خشونت با هدف بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران است. این رویکرد و الگوی رفتاری در شرایطی دنبال می‌شود که همین دولت‌ها در مواجهه با اعتراضات داخلی خود، برخورد شدید و استفاده از سخت‌گیرانه‌ترین ابزارهای امنیتی و پلیسی را برای نیروهای انتظامی‌شان کاملاً موجه می‌دانند و حتی در مواردی سلب حیات معترضان را در صورت کوچک‌ترین تقابل با پلیس، ضروری و قابل توجیه قلمداد می‌کنند. این تناقض آشکار در نگرش و عملکرد، به‌وضوح در برخورد با اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویان و اساتید در کشورهای غربی علیه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی در غزه، و همچنین در مواجهه با اعتراضات ضد سیاست‌های مهاجرتی دولت ترامپ در ایالات متحده، قابل مشاهده است.

مایه تأسف است که رئیس‌جمهور آمریکا خشونت‌های آشکار علیه پلیس ایران — از جمله کشتار، سربردن، سلاخی و سوزاندن نیروهای مجری قانون — را نادیده گرفته و از معترضان می‌خواهد که در خیابان بمانند و آنان را به تسخیر مراکز و نهادهای دولتی تهییج می‌کند اما استفاده پلیس از زور افراطی و اعمال خشونت مرگبار علیه شهروندان کشورش را تأیید کرده و بی‌قیدوشرط از نیروهای پلیس و امنیتی در سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند.

پر واضح است که کشته شدن الکس پرتی، پرستار آمریکایی، در جریان عملیات نیروهای فدرال مهاجرت در شهر مینیآپولیس، صرفاً یک حادثه فردی یا خطای موردی نیست، بلکه نشانه‌ای جدی از الگوی رفتاری نهادهای امنیتی و فقدان پاسخ‌گویی دولت فدرال در قبال حق بنیادین حیات به شمار می‌رود. روایت رسمی کاخ سفید مبنی بر مسلح بودن قربانی و اقدام مأموران در چارچوب «دفاع مشروع»، با شواهد تصویری و اسناد منتشرشده همخوانی ندارد. تصاویر موجود نشان می‌دهد که قربانی فاقد سلاح بوده و در شرایطی که تهدیدی فوری محسوب نمی‌شده، ابتدا مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته و سپس هدف شلیک قرار گرفته است. این نمونه جدید بار دیگر این واقعیت را آشکار می‌سازد که در سیاست‌های دولت آمریکا، حقوق بشر نه یک اصل الزام‌آور، بلکه مفهومی گزینشی، ابزاری و تابع منافع سیاسی است؛ مفهومی که در داخل با سرکوب پاسخ داده می‌شود و در خارج، برای مداخله، فشار و بی‌ثبات‌سازی دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه به برخی نمونه‌ها از برخورد با معترضین در برخی کشورها و رفتارهای دوگانه غرب اشاره می‌شود.

قتل عاملان تعرض احتمالی به پلیس در آمریکا

در آمریکا حمله به پلیس یا نیروهای امنیتی، مجازات سنگینی دارد. سالانه، پلیس آمریکا صدها نفر را صرفاً به دلیل احتمال و قصد حمله و در حالی که عملاً حمله‌ای صورت نگرفته، به قتل رسانده و اکثر پلیس‌های قاتل نیز در دادگاه تبرئه می‌شوند. علاوه بر این، رفتار خشن پلیس آمریکا با کودکان، دانش‌آموزان و سیاه‌پوستان و نژاد پرستی و تبعیض در برخورد بین سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در آمریکا امری معمول و ادامه دار است.

در کنار این موارد، ایالات متحده در سال‌های اخیر شاهد سرکوب گسترده اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویی بوده است؛ به‌ویژه تظاهرات دانشجویان و فعالان دانشگاهی در اعتراض به جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی در غزه، که با مداخلات خشن پلیس، بازداشت‌های گسترده، استفاده از زور بیش از حد، ورود نیروهای امنیتی به محوطه‌های دانشگاهی و محدودسازی آزادی بیان و اجتماعات همراه بوده است. این برخوردها، نقض آشکار حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و آزادی بیان محسوب می‌شود که در اسناد بنیادین حقوق بشری، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مورد تأکید قرار گرفته است.

همچنین، اعتراضات اخیر مردمی علیه سیاست‌ها و قوانین سخت‌گیرانه مهاجرتی دولت ترامپ، به‌ویژه در ارتباط با اخراج مهاجران، بازداشت‌های گسترده و رفتار غیرانسانی با پناهجویان، با واکنش‌های شدید پلیس و نیروهای فدرال مواجه شده است. برخورد خشونت‌آمیز با معترضان، استفاده از ابزارهای سرکوب و بازداشت فعالان مدنی و خبرنگاران در جریان این اعتراضات، نشان‌دهنده رویکرد امنیتی دولت آمریکا در مواجهه با مطالبات اجتماعی و انسانی شهروندان و مهاجران است.

شایان توجه است در شرایطی که رئیس‌جمهور ایالات متحده، اقدامات پلیس کشورش در سرکوب اعتراضات و حتی سلب حیات معترضان را توجیه‌پذیر و موجّه می‌داند، در موضعی آشکارا متناقض که در تضاد با اصول و موازین حقوق بین‌الملل قرار دارد، از معترضان ایرانی خواسته در خیابان‌ها بمانند و به نهادهای دولتی و حکومتی حمله کرده و آن‌ها را تسخیر کنند!! این رویکرد دوگانه، در حالی اتخاذ می‌شود که هم‌زمان در داخل آمریکا، اعتراضات دانشجویی و مردمی با برخوردهای سخت‌گیرانه، بازداشت‌های گسترده و استفاده از زور از سوی پلیس مواجه بود و حق حیات، آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز به‌طور جدی محدود می‌شود؛ امری که تناقض آشکار میان ادعاهای حقوق بشری آمریکا و عملکرد آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد. مجموع این رفتارها بیانگر آن است که ایالات متحده، علی‌رغم ادعای پایبندی به ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری، در عمل با نقض گسترده حق حیات، آزادی بیان، حق اعتراض مسالمت‌آمیز و اصل منع تبعیض مواجه است و از استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر فاصله‌ای معنادار دارد.

سرکوب اعتراضات و تهدید معترضین در انگلستان

در سال‌های اخیر، با اعمال تغییرات گسترده در قوانین مرتبط با نظم عمومی و اختیارات پلیس در انگلستان، فضای اعتراضات مسالمت‌آمیز به‌طور محسوسی محدود شده و برخورد با معترضان شدت چشمگیری یافته است؛ به‌گونه‌ای که قوانین جدید، با تعاریف مبهمی مانند «اختلال جدی» یا «سلب آسایش عمومی»، دست پلیس را برای مداخله پیشگیرانه، ممنوع‌سازی تجمعات و بازداشت معترضان حتی پیش از وقوع هرگونه خشونت باز گذاشته‌اند. در این چارچوب، برخوردهای سخت‌گیرانه پلیس به‌ویژه علیه اعتراضات مرتبط با مسائل

سیاسی و بین‌المللی، از جمله تجمعات اعتراضی دانشجویی در محکومیت جنایات علیه بشریت در غزه، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است؛ به‌طوری که بسیاری از این اعتراضات، با وجود ماهیت صلح‌آمیز، با بازداشت گسترده معترضان، اعمال محدودیت‌های شدید، اتهام‌زنی‌های سیاسی و استفاده نامتناسب از زور مواجه شده‌اند. این روند، نشانه‌ای از عقب‌گرد جدی در تضمین حق آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز در انگلستان محسوب می‌شود.

با این حال سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز در انگلستان مسبوق به سابقه است. برای نمونه در سال ۲۰۱۹ طبق دستور پلیس لندن، هرگونه تجمع مرتبط با موضوعات زیست محیطی در لندن متوقف شد و پلیس تمام اعتراضات بعدی این گروه‌ها را ممنوع کرد. متعاقب این برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات، قانونی درخصوص وظایف پلیس توسط پارلمان انگلستان به تصویب رسید که دست پلیس را برای اعمال خشونت در ارتباط با تجمعات مسالمت‌آمیز باز می‌کند.

در واقع، قانون وظایف پلیس که منتقدان آن را «لایحه سرکوب» می‌خوانند، از یک سو موجب افزایش قابل توجه و بی سابقه اختیارات نیروی پلیس در اعمال محدودیت یا تحمیل محدودیت‌های ناروا در زمینه‌های اعتراض صلح‌آمیز می‌شود و از سوی دیگر، موجبات جرم‌انگاری هرگونه سلب آسایش عمومی و تعیین محکومیت تا ۱۰ سال حبس برای موارد معمول به وقوع پیوسته در اعتراضات مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کند.

گزارشگر ویژه حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز، چندین بار نگرانی خود را در رابطه با قانون وظایف پلیس و دادگاه‌هایی که در پارلمان انگلستان در واکنش به اعتراضات اقلیمی پیشنهاد شده بود، اظهار نمود. به گفته گزارشگر ویژه، این قانون روش‌های اعتراض قانونی را جرم‌انگاری کرده و قدرت پلیس را برای برهم زدن تظاهرات افزایش می‌دهد. به عقیده وی، پس از تصویب این قانون، دستورات ضد تجمع در زمینه اعتراضات محیط زیستی، به ویژه علیه اعتراضات مسالمت‌آمیز که باعث اختلال در این نوع فعالیت‌ها می‌شوند، با سهولت بیشتری صادر می‌شود.

متعاقب وضع و تصویب چنین قوانین ضد حقوق بشری، نیروهای پلیس در سال ۲۰۲۰ از هرگونه تلاش جهت برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز در انگلیس، از جمله اعتراض‌ها در زمینه عدالت نژادی و برگزاری مراسم

یادبود برای سارا اورادد که در مسیر خانه خود ربنده و ناپدید شده بود، ممانعت کردند. در ۱۶ می ۲۰۲۱ هم پلیس چهار جوان مسلمان ساکن انگلستان (اهل بلک برن) را در حالی که در شمال لندن در یک راهپیمایی در حمایت از فلسطین حضور داشتند، به اتهام یهودی ستیزی بازداشت کردند. این در حالی است که دادگستری سلطنتی انگلستان، اتهامات یهودی ستیزی دو تن از چهار مسلمان ساکن انگلستان را رد کرده است. در بحبوحه همه گیری کرونا نیز تظاهرات ضد قرنطینه کرونایی بسیاری در لندن توسط پلیس متوقف شد و در دومین قرنطینه ملی کرونایی انگلیس، پلیس متروپولیتن بیش از ۱۵۰ نفر از معترضین قرنطینه کرونایی را دستگیر کرد. براساس آمار وزارت کشور، بیش از ۳۵۰ معترض محیط زیستی مخالف پروژه های نفتی و گازی از آغاز ماه اکتبر ۲۰۲۲ در لندن دستگیر شده اند.

اعتراضات مسالمت آمیز در آلمان و برخورد خشونت آمیز

در آلمان نیز نمونه های متعددی از سرکوب تجمعات مسالمت آمیز وجود دارد که با وجود صلح آمیز بودن این اعتراضات، از سوی نیروهای امنیتی با برخوردهای قهری و محدودکننده گسترده ای مواجه شده اند. گزارش های نهادهای بین المللی و رسانه ها نشان می دهند که اعتراضات حامیان فلسطین، از جمله تجمعاتی که برای محکوم کردن جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی در غزه یا مخالفت با سیاست های دولتی علیه پناهجویان در این کشور برگزار شده اند، بارها با دستگیری شرکت کنندگان، ممانعت از برگزاری تجمعات یا استفاده از نیروی بیش از حد از سوی پلیس روبه رو شده اند. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل و شورای اروپا به صراحت نسبت به «جرمانگاری و سرکوب» فعالیت های مسالمت آمیز در ارتباط با حمایت از فلسطینی ها در آلمان هشدار داده اند و از دولت این کشور خواسته اند که به تعهدات خود در قبال آزادی تجمعات و آزادی بیان احترام بگذارد، زیرا اقدام هایی مانند جلوگیری از استفاده از نمادهای فرهنگی، محدود کردن زبان در اعتراضات و دخالت نامتناسب پلیس می تواند حقوق اساسی را نقض کند.

این موارد نشان می‌دهد که اگرچه آلمان مدعی حمایت از حقوق بشر و به اصطلاح دارای فرهنگ اعتراض مسالمت‌آمیز است اما در عمل با چالش‌های جدی در زمینه رعایت حقوق تجمعات مسالمت‌آمیز روبه‌رو است، موضوعی که با انتقاد جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری روبه‌رو بوده است. نمونه‌های از سرکوب در دولت آلمان بسیار است. برای نمونه به دنبال اعتراض گروهی در آلمان و نشستن روی زمین در خیابان‌ها، وزیر وقت کشور آلمان در واکنش گفت: «این کار در آلمان غیرقانونی است و معترضان خود را فراتر از قانون می‌دانند. آنها با بستن خیابان، مرتکب جرمی می‌شوند که حد اعتراض مشروع را نقض می‌کند». وی، ادامه داد: «پلیس از حمایت کامل من برای سرکوب این معترضان برخوردار است».

از سوی دیگر، بیش از ۳۰۰۰ پلیس و نیروی امنیتی آلمان، در یک اقدام گسترده ۲۵۰ نفر مخالف سیاسی را به بهانه طرح آنان برای کودتا بازداشت کردند. در بین بازداشت‌شدگان، یک پیرمرد ۷۱ ساله نیز وجود دارد. بازداشت این افراد که بدون اسلحه و بدون بستن خیابان و بدون کشتن مامور پلیس فقط خواهان تغییر در نظام سیاسی آلمان بودند، به جرم براندازی، و منع حمایت از آنان در شبکه‌های اجتماعی، سرکوب آزادی بیان و عقیده محسوب می‌شود. در اقدامی دیگر، دولت آلمان به دنبال تصویب قانونی است که مخالفین خود را به بهانه افراط‌گرایی، از تمامی مشاغل دولتی اخراج نماید.

سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز در فرانسه

در سال‌های اخیر اعتراضات گسترده‌ای در سراسر فرانسه علیه طرح‌های بودجه‌ای و کاهش خدمات اجتماعی برگزار شد که کاملاً مسالمت‌آمیز بودند و توسط اتحادیه‌های کارگری و معترضان صلح‌طلب سازمان‌دهی شده بودند؛ هزاران نفر در خیابان‌ها، میدان‌ها و در پاریس و دیگر شهرها برای ابراز نارضایتی از سیاست‌های اقتصادی دولت شرکت کردند. این تجمعات، با وجود اهداف غیرخشونت‌آمیز و فراخوان برای حق و عدالت اجتماعی، بارها با استقرار گسترده نیروهای پلیس و بهره‌گیری از شیوه‌های قهری برای پراکنده کردن جمعیت و جلوگیری از برپایی تجمعات مواجه شدند و صدها نفر در جریان آن‌ها بازداشت شدند. برای مثال، در اعتراضات گسترده

موسوم به «Bloquons tout» که از سوی اتحادیه‌های کارگری علیه اصلاحات بودجه‌ای و سیاست‌های ریاضتی دولت برگزار شد، صدها هزار نفر به خیابان‌ها آمدند و در حالی که عمده این تجمعات صلح‌آمیز و با شعارهای اقتصادی و اجتماعی بود، نیروهای امنیتی و نیروهای ضد شورش واکنش شدیدی نشان دادند و بیش از ۵۰۰ بازداشت شدند. گزارش‌های نظارتی مستقل نیز تأیید کردند که پلیس بارها از نیروی بیش از حد علیه تجمعات مسالمت‌آمیز استفاده کرده است، از جمله پرت کردن گاز اشک‌آور به سمت جمعیت، محدود کردن مسیرهای اعتراض و حتی برخورد فیزیکی با خبرنگاران و ناظران که صرفاً در حال گزارش بودند. این موارد نشان‌دهنده آن است که در چند سال اخیر، حتی تجمعاتی که هدفی کاملاً صلح‌آمیز داشتند و توسط سازمان‌های کارگری و اجتماعی برگزار می‌شدند، به شدت توسط نیروهای پلیس فرانسه مورد برخورد قرار گرفته‌اند، و این موضوع انتقادهای متعدد از سوی نهادهای حقوق بشری و جامعه مدنی را برانگیخته است.

پیش‌تر نیز جلیقه زردهای فرانسه در چهارمین سالروز تشکیل این جنبش، در اجتماعی صدها هزار نفری، پاریس و دیگر شهرهای فرانسه را صحنه تظاهراتی گسترده کردند؛ تظاهراتی که با مداخله پلیس ضدشورش، درگیری‌های گسترده‌ای را رقم زد. تنها در یکی از تجمعات صورت گرفته در پاریس، پلیس فرانسه علیه تظاهرکنندگان جلیقه زرد که شمارشان به حدود ۶۸۰ نفر می‌رسید و علیه رئیس‌جمهور این کشور اعتراض کرده بودند و خواهان وضعیت بهتر زندگی و بهبود وضعیت کارگران شده بودند، از گاز اشک‌آور و باتوم استفاده کرد و در برخی مناطق با تشدید درگیری‌ها، اوضاع به وخامت کشید.

در تداوم اعتراضات در فرانسه، بیش از ۹۰ هزار نیروی امنیتی و تعدادی خودروی زره پوش جنگی علیه ۱۲۳ هزار معترض در سراسر کشور به کار گرفته شدند. در این تجمعات تعداد دستگیری‌ها به ۱۳۸۵ و بازداشت‌ها به ۹۷۵ تن رسید. ۱۱۸ نفر از معترضین نیز زخمی شدند. به طور عمومی، اعتراضات مردمی در فرانسه علیه افزایش تورم و بحران انرژی، به شدت توسط پلیس این کشور سرکوب می‌شود.

برخورد خشونت آمیز با اعتراضات مسالمت آمیز در کانادا و اعلام وضعیت اضطراری

اعتراضات مسالمت آمیز و دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین، به ویژه در شهرهایی مانند مونترال، تورنتو و کلمگری نیز با واکنش‌های قهری یا محدودیت‌های حقوقی روبه‌رو شدند. دانشجویان در دانشگاه‌ها چادرهای اعتراضی برقرار کردند و خواستار قطع سرمایه‌گذاری مؤسسات آموزشی در شرکت‌هایی شدند که با نقض حقوق بشر در فلسطین مرتبط هستند. در جریان این تجمعات، پلیس و نیروهای امنیتی حضور گسترده‌ای داشتند که به سرکوب و بازداشت موارد متعدد منتج گردید. موضوعی که بسیاری از منتقدان آن را محدود کردن آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و آزادی بیان اعلام کردند. در مونترال نیز تجمعات حامی فلسطین با حضور پلیس در اطراف یا داخل محوطه دانشگاه گزارش شده است، و مقامات استانی از جمله نخست‌وزیر کبک خواستار جمع کردن اردوگاه‌های اعتراضی شدند.

یکی از نمونه‌های دیگر برخورد سخت‌گیرانه با اعتراضات مسالمت‌آمیز به اعتراض موسوم به «کاروان آزادی» در سال ۲۰۲۲ مربوط می‌شود. در این زمان نخست وزیر وقت کانادا، از ۱۴ فوریه تا ۲۳ فوریه ۲۰۲۲ از قانون اعلام وضعیت اضطراری در این کشور استفاده کرد تا به اعتراض گسترده کامیون‌داران موسوم به «کاروان آزادی» پایان دهد. این کامیون‌داران به واکسیناسیون اجباری و محدودیت‌های مرزی اعمال شده در پی همه‌گیری این ویروس، اعتراض داشتند.

نخست وزیر وقت ضمن اعلام وضعیت اضطراری اعلام کرده بود که برای سرکوب معترضان، اختیارات لازم به پلیس برای بازداشت و جریمه معترضان داده می‌شود. وی مدعی شد اعلام وضعیت اضطراری برای پایان دادن به اعتراض کامیون‌داران در اوایل سال جاری میلادی، اقدامی سنجیده و درست بوده است.

نخست وزیر وقت کانادا در توجیه استفاده از زور برای قطع صدای اعتراض کامیون‌داران، گفت: «مسئله این بود که آن‌ها صرفاً دنبال شنیده شدن اعتراضاتشان نبودند، بلکه می‌خواستند از خواسته‌هایشان اطاعت شود». ترودو همچنین مدعی شد: «از آنجا که تهدید به اعمال خشونت جدی بود و پلیس محلی هم طرح مشخصی برای بازگرداندن نظم نداشت، برای وی چاره‌ای جز توسل به گزینه اعلام حالت اضطراری باقی نماند».

از سوی دیگر، نخست وزیر وقت کانادا در اظهارات دیگری اخیراً گفت: «اشغال خیابان ها» با اعتراضات متفاوت است. اجبار دولت به تغییر در سیاست های عمومی به بهانه ناراضی بودن مردم، «نگران کننده» است.

نکات قابل توجه:

۱. تجمعات رخ داده اخیر در ایران در بسیاری از موارد به واسطه تحریک، تشویق و حمایت برخی مقامات سیاسی و دولت های غربی، افراد و گروه های معاند و رسانه ها و گروهک های تروریستی، از حالت مسالمت آمیز خارج گردید و چهره اغتشاش به خود گرفت و موجبات نقض حقوق اساسی شهروندان نظیر حق بر حیات، حق بر آسایش و امنیت فردی، حق بر رفت و آمد، حق بر سلامت و ایمنی و ... را فراهم آورد.

۲. آمریکا و برخی کشورهای غربی با انگیزه ها و اهداف سیاسی، درصدد سوق دادن اعتراضات به سمت آشوب و اغتشاش برآمدند و در اقدامی کاملاً سیاسی، با سوءاستفاده از شورای حقوق بشر و برگزاری نشست ویژه، تلاش کردند سازوکار سیاسی «هیأت موسوم به حقیقت یاب» را — که در طول فعالیت خود کارنامه ای آکنده از دشمنی با ایران و فقدان صداقت و پایبندی به اصول حرفه ای، اخلاقی و حقوقی داشته است را مجدداً برای دو سال آتی تمدید کنند.

۳. این در حالی است که اغلب کشورهای غربی و آمریکا، در قلمرو سرزمینی خود دچار تجمعات گسترده هستند. در همین زمان اعتراضات گسترده صدها هزار نفری در آمریکا در جریان است و با سرکوب شدید روبه رو شده است. این تظاهرات و اعتراضات مسالمت آمیز هستند، اما با شدیدترین برخوردها از سوی نیروهای مجری قانون روبرو می شوند. کشورهایی که خود را حامی معترضان ایرانی می دانند، خود به فجیع ترین شکل ممکن، نسبت به نقض سیستماتیک حق تجمعات مسالمت آمیز (هم در قانون و هم در عمل) مبادرت می ورزند.

۴. بایستی توجه داشت که باید حد و مرز مشخصی میان تجمعات مسالمت آمیز و تجمعات غیر مسالمت آمیز (همراه با خشونت، حمل سلاح سرد و گرم، حمله به اماکن و اموال عمومی و خصوصی و ...)

قائل شد. تجمعات مسالمت آمیز باید مورد حمایت قرار گرفته و با تجمعات غیر مسالمت آمیز نیز باید برابر قوانین برخورد کرد. کشورها نیز باید توجه داشته باشند که دیر یا زود یا تحت شرایط خاص با شرایط مشابهی که ایران با آن مواجه است، مواجه خواهند شد (مانند برخی کشورهای مورد اشاره در این گزارش) و از اینرو، باید از هرگونه رفتار متناقض و دوگانه اجتناب نمایند. نمی توان بر مبنای اغراض سیاسی از ناآرامی ها در یک کشور دیگر حمایت کرد و به آن وصف مسالمت آمیز داد و در کشور خود با شدت آن را سرکوب کرد.

